

نگرشی نو به تنوعات نظام‌مند بین زبان‌ها

معرفی و نقد کتاب مبانی رده‌شناسی زبان

● رافعه خوشخو

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان rafeekhoshkhoo@gmail.com

● رها زارعی‌فرد

استادیار زبان‌شناسی دانشگاه جهرم Raha.zareifard@gmail.com

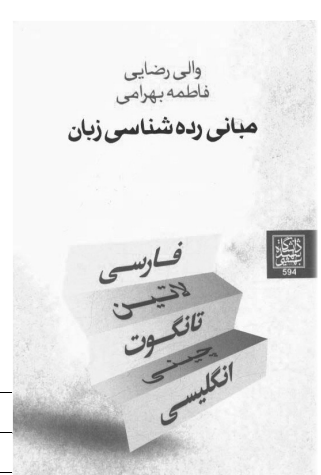
چکیده

کتاب مبانی رده‌شناسی زبان، نوشته‌ی والی رضایی و فاطمه بهرامی از معدود کتاب‌های رده‌شناسی است که به زبان فارسی نگاشته شده و برای دانشجویان و اساتید زبان‌شناسی، ادبیات و دوستداران زبان فارسی غنیمتی است. در این مقاله سعی شده که علاوه بر معرفی کتاب و مروری بر فصل‌های آن، نقاط ضعف و قدرت این کتاب نیز تاحدودی مورد واکاوی قرار گیرد. از مزایای این کتاب، می‌توان این موارد را برشمرد: پوشش همه‌ی زمینه‌های اصلی زبان (نحو، ساخت‌واژه، واج‌شناسی و معناشناسی)، ارائه‌ی تعمیم‌های رده‌شناختی برای هر موضوع مورد بررسی، رویکرد پیشانظری و نیازنداشتن به پیشینه‌ی علمی زیاد، ساختاربندی مناسب فصل‌ها، سادگی و روانی متن و طراحی مناسب آن. در کنار این موارد، به برخی معایب آن نیز در متن مقاله اشاره شده است.

کلیدواژه: مبانی رده‌شناسی زبان، زبان‌شناسی، نحو، ساخت‌واژه، واج‌شناسی و معناشناسی

مقدمه

حدود شش دهه از انتشار مقاله‌ی جوزف گرین‌برگ، با عنوان «برخی همگانی‌های دستور با تأکید ویژه بر توالی عناصر معنی‌دار» می‌گذرد. این مقاله موجب گردید، رهیافت تازه‌ای در مطالعات زبان‌شناسی، به‌ویژه همگانی‌های زبان ایجاد شود. از مقاله‌ی گرین‌برگ تاکنون، پژوهش‌های بسیاری در زمینه‌ی رده‌شناسی انجام گرفته است. رده‌شناسی در این شش دهه، رشد بسیار داشته است. تا آن‌جا که زبان‌شناسان



■ رضایی، والی و فاطمه بهرامی (۱۳۹۴). مبانی رده‌شناسی زبان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۶
تابستان ۱۳۹۸

۱۳۸

در کنار رویکردهای غالبی مانند صورت‌گرا و نقش‌گرا، از رویکرد سومی با نام زبان‌شناسی نقشی - رده‌شناختی یاد می‌کنند. در توصیف وضعیت رده‌شناسی زبان، می‌توان گفت که امروزه، رده‌شناسی هم یک رویکرد نظری به زبان است و هم روشی در جهت شناخت هرچه بیشتر ماهیت زبان. دانیل (۲۰۱۱، م.) بر این باور است که شالوده‌ی زبان‌شناسی، بر بررسی‌های رده‌شناختی استوار است و زبان‌شناسی اساساً یک حرکت رده‌شناختی است.

کتاب‌های زیادی درباره‌ی رده‌شناسی نوشته شده‌است. یکی از جدیدترین کتاب‌های این حوزه، مبانی رده‌شناسی زبان به قلم والی رضایی و فاطمه بهرامی است. این جستار به بررسی و نقد این اثر می‌پردازد. کتاب مورد بررسی، با اهداف کاملاً آموزشی برای دانشجویان رشته‌ی زبان‌شناسی و نیز مخاطبان عام که تاندازه‌ای با زبان‌شناسی آشنایی دارند، نوشته شده‌است. برای بررسی موشکافانه‌ی کتاب لازم است، ابتدا مروری بر فصل‌های آن داشته باشیم و سپس، مزایا و کاستی‌های آن را مورد واکاوی قرار دهیم.

کتاب دارای ده فصل است که فصول ابتدایی آن، به تعریف رده‌شناسی زبان و تاریخچه‌ی مطالعات رده‌شناختی و سیر تحولات آن، روش‌شناسی در رده‌شناسی زبان و برخی از مفاهیم پایه و اصول حاکم بر رده‌شناسی نوین (جهانی‌ها) می‌پردازد. شش فصل بعدی، هرکدام، درباره‌ی یکی از انواع ترتیب سازه‌ها و نظریه‌های پردازشی تبیین ساخت زبان، نشاننداری، اقتصاد، تصویر‌گونگی و مباحث شناختی مرتبط با رده‌شناسی همچون سرنمون، نقشه‌ی معنایی و فضای مفهومی است و فصل پایانی نیز به بحث کاربردهای رده‌شناسی اختصاص دارد تا ارزش عملی و کاربردی این شاخه از زبان‌شناسی را آشکار کند.

قبل از پیشگفتار، فهرست شکل‌ها، جدول، نمودارها و کوته‌نوشت‌ها آمده‌است و به خوانندگان این امکان را می‌دهد که به راحتی، به اطلاعات مورد نظر دست یابند. در پیشگفتار، به اثر مهم گرین‌برگ و پیدایش رده‌شناسی نوین اشاره و رده‌شناسی زبان، به‌عنوان زیرشاخه‌ای از زبان‌شناسی معرفی شده‌است.

مروری بر فصل‌های کتاب

عنوان **فصل اول** کتاب، «رده‌شناسی زبان و پیشینه آن» است. این فصل به تعریف رده‌شناسی زبان، پیشینه مطالعات رده‌شناسی، تاریخچه رده‌شناسی در قرن نوزدهم و بیستم و نحوه شکل‌گیری این حوزه از زبان‌شناسی می‌پردازد و به این نکته اشاره می‌کند که در رده‌شناسی قرن نوزدهم، دسته‌بندی زبان‌ها تنها بر اساس ویژگی ساخت‌واژی زبان و طبقه‌بندی آن انجام می‌گرفت و در واقع، مبتنی بر سازوکارهای صرفی زبان‌ها بود و کلیت یک زبان، در یک رده گنجانده می‌شد. در قرن بیستم، رده‌شناسی به همگانی‌ها و به‌ویژه، همبستگی میان مؤلفه‌های مختلف ساختاری دست یافت. به‌این ترتیب، توصیفی از اشتراکات گوناگونی‌های نظام‌مند زبان‌ها ارائه شد. در این کتاب به نقل از کرافت (۲۰۰۳: ۳) آمده‌است: «اصطلاح رده‌شناسی در طی زمان سه تعریف عمده پذیرفته که هر یک مقارن با مرحله خاصی از این مطالعات است. این تعریف در سراسر قرن نوزده رواج داشت و به طبقه‌بندی زبان‌ها بر اساس ویژگی ساخت‌واژی آن اطلاق می‌شود. او این برداشت را طبقه رده‌شناختی و تعریف دوم رده‌شناسی مطالعه الگوهای نظام‌مند میان زبان‌ها است که از نیمه دوم قرن بیستم آغاز شد» که کرافت از آن به‌عنوان تعمیم رده‌شناختی یاد می‌کند. سومین و جدیدترین تعریف از رده‌شناسی به رده‌شناسی نقش‌گرایانه شهرت دارد؛ چراکه نقش اصلی زبان برقراری ارتباط است.

عنوان **فصل دوم**، «روش‌شناسی در رده‌شناسی» است که بیانگر ابزارهای مورد استفاده در پژوهش‌های رده‌شناختی است. از آنجایی که رده‌شناسان زبان، به دنبال کشف الگوهای رده‌شناختی‌اند، در مطالعات رده‌شناسی دو اصل مقایسه‌پذیری بین‌زبانی و یکسان‌گرایی در نظر گرفته می‌شود و بدون در نظر گرفتن این دو اصل، تعمیم‌های منتج از مطالعات زبان با تردید روبرو خواهد شد. رده‌شناسان نقش‌گرا یا گرین‌برگی از روش استقرایی استفاده می‌کنند که در این روش، با مشاهده و آزمایش تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از پدیده‌های مورد بررسی به تعمیم می‌رسند. بنابراین، رده‌شناسان زبان ناگزیرند، برای انجام مطالعات خود دست به نمونه‌برداری بزنند و الگوهای رده‌شناختی زبان‌ها را از آن نمونه به دست آورند. نویسندگان این کتاب در بحث نمونه‌برداری، نمونه‌ای را نمونه خوب می‌دانند که نماینده توزیع واقعی زبان‌های جهان باشد و زبان‌های انتخاب‌شده در نمونه، باید با پراکندگی خانوادگی و جغرافیایی خود متناسب باشند، زیرا هدف رده‌شناسان، بررسی همگونی

و ناهمگونی بین زبان‌ها است که مستقل از رابطهٔ خویشاوندی، برخورد زبانی و محیط فرهنگی باشند. در تهیهٔ نمونه ممکن است، انواع تأثیرپذیری سوء وراثتی، منطقه‌ای، رده‌شناختی، کتابخانه‌ای و فرهنگی رخ دهد. در این کتاب همچنین، به دلیل اهمیت بسیار زیاد استقلال مورد در نمونه‌برداری، رویکردهای رده‌شناسی مختلف در این باره ذکر شده و به مهم‌ترین منابعی که رده‌شناسان می‌توانند، از طریق آن‌ها به داده‌های موردنیاز خود دست یابند، اشاره شده که این منابع، شامل مصاحبه با سخنگویان بومی، استفاده از متون، استفاده از دستورهای توصیفی و پرسش‌نامه است. محاسن و معایب هر کدام از این منابع، بیان و درنهایت، به این نکته اشاره شده که هیچ‌کدام از این روش‌ها کامل نیستند و رده‌شناس باید از همهٔ این منابع، به‌طور مناسب استفاده کند.

عنوان **فصل سوم**، «جهانی‌های زبان» است. رده‌شناسی زبان به بررسی ویژگی رده‌ای و جهانی مشترک در زبان‌ها می‌پردازد. در واقع، جهانی‌ها ویژگی‌هایی را بیان می‌کنند که در همه یا بخش عظیمی از زبان‌ها صادقند. جهانی‌ها بر اساس دو مؤلفه، به چهار نوع اساسی طبقه‌بندی می‌شوند: جهانی‌های مطلق و غیرمطلق و جهانی‌های تلویحی و غیرتلویحی.

در جهانی‌های مطلق، تمامی زبان‌ها برحسب یک مولفهٔ دستوری خاص، تنها به یک رده تعلق دارند. این نوع جهانی‌ها نسبتاً کم و بیانگر ویژگی‌های همگانی زبان‌ها هستند. جهانی‌های غیرمطلق گرایش‌های عمومی زبان‌ها را بیان می‌کنند. این جهانی‌ها استثناپذیرند، اما از قابلیت پیش‌بینی بالایی برخوردارند. مورواچیک (۲۰۱۱م.) اصطلاح احتمال‌گرایانه و آماری را به جای این نوع جهانی به کار می‌برد. جهانی تلویحی به وجود همبستگی میان دو یا چند ویژگی صرفی، نحوی و واج‌شناختی یا حتی معناشناختی در زبان‌ها اشاره دارد. این جهانی‌ها عموماً در قالب صورت‌های شرطی بیان می‌شود. این نوع جهانی، به‌وسیلهٔ جداول چهارخانه‌ای بازنمایی می‌شود. نمونهٔ دیگر از جهانی تلویحی، دو شرطی است که شامل دو گزارهٔ مستقل و بیانگر یک جهانی تلویحی مجزاست. جهانی‌ها در حوزه‌های متنوع زبان‌شناسی و در سطوح مختلف زبان مطرح می‌شوند. شناخته شده‌ترین جهانی‌ها صرفی و نحوی هستند، اما در واج‌شناسی و معنی‌شناسی نیز جهانی‌های رده‌شناختی ارائه می‌شوند. گاهی جهانی‌ها به مختصات منطقه‌ای و تاریخی زبان‌ها اشاره دارد.

فصل چهارم کتاب، به آراء گرین‌برگ دربارهٔ رده‌شناسی ترتیب سازه‌ها در جهانی‌های مختلف می‌پردازد. گرین‌برگ جهت‌تبیین جهانی‌های مربوط به ترتیب سازه‌ها، عموماً از دو تبیین غلبه و هماهنگی بهره گرفته‌است. رده‌شناسان دیگر تلاش کردند، به یک تبیین فراگیر برای جهانی‌ها دست یابند. لمان و ونمان بیشتر به هماهنگی توجه داشتند که متضمن این است که تمام همبستگی‌ها به‌صورت جهانی دوسویه در نظر گرفته می‌شود. این با واقعیت زبانی ناسازگار

است و توافق کلی برای مفهوم هسته وجود ندارد. تبیین‌های پردازشی در مورد همبستگی‌های رده‌شناختی، از آراء درایر و هاوکینز نشأت گرفت و بر این اساس، نظریه‌سوی انشعاب درایر و نیز نظریه‌های سنگینی، هماهنگی متقابل مقوله‌ها، تحرک و سازه‌های بلافصل فوری هاوکینر معرفی شدند. سونگ (۲۰۱۱م.) تبیین‌های پردازشی ترتیب سازه‌های اصلی جمله را بازتاب پاسخ زبان‌های بشری به نیازمندی پردازش می‌داند.

فصل پنجم، به نحوه عملکرد نظام‌های حالت و مطابقه، پیچیدگی‌های آن‌ها در زبان‌های مختلف و تعامل میان دو نظام حالت و مطابقه در رده‌شناسی زبان پرداخته‌است. سه راهکار ترتیب سازه‌ای، حالت‌نمایی و مطابقه، ابزارهایی برای بازنمایی این روابط هستند. زبان‌های هسته‌نشان از مطابقه، زبان‌های وابسته‌نشان از حالت‌نمایی و زبان‌های دوگانه‌نشان از هر دو راهکار به‌طور همزمان در بند استفاده می‌کنند. زبان‌های گسسته‌نشان به‌طورمتناوب، هریک از شیوه‌های هسته‌نشانی و وابسته‌نشانی را به کار می‌گیرند. پنج امکان مختلف برای بازنمایی روابط، در بندهای لازم و متعددی وجود دارد که از میان آن‌ها دو نظام فاعلی - مفعولی و کنایی - مطلق در بین زبان‌ها رواج دارند. این دو نظام در برخی زبان‌های ایرانی، به‌صورت فعال و زایا وجود دارند. بسامد وقوع دو نظام کنایی - مطلق و فاعلی - مفعولی در راستای اصل مشاهده‌پذیری و اقتصاد است. تغییرات زبانی و گذر از یک مرحله به مرحله دیگر، به‌نوبه خود می‌تواند، موجب به‌کارگیری همزمان بیش از یک راهکار شود که تخطی از اصل اقتصاد به نظر می‌رسد.

فصل ششم، به عدم یکسانی معرفی نشان‌داری در رده‌شناسی با نشان‌داری در نظریه‌های دستوری می‌پردازد. در رویکرد رده‌شناختی، نشان‌داری مفهومی جهانی محسوب می‌شود و به ویژگی زبانی خاص، ارتباطی ندارد. از دیگر مباحث این فصل، معیارهای نشان‌داری ساختاری و رفتاری و انواع آن‌ها با ارائه مثال‌هایی از زبان انگلیسی و فارسی است. بخشی از این فصل نیز به معرفی اقتصاد و تصویرگونگی اختصاص دارد. همچنین، انگاره روان‌شناختی بایبی برای تبیین الگوهای نشان‌داری رده معرفی گردیده و نشان داده شده که انگیزه‌های اقتصاد و تصویرگونگی را می‌توان به یک انگیزه واحد، یعنی ملاحظات پردازشی تقلیل داد.

فصل هفتم به سلسه‌مراتب دستوری و نقش آن‌ها در رده‌شناختی اختصاص دارد. سلسه‌مراتب رده‌شناختی، نقش به‌سزایی در تبیین بسیاری از پدیده‌های دستوری و رفتار نحوی زبان‌ها دارند و در واقع، دامنه اشتراکات زبانی و فراوانی هر رده را توضیح می‌دهند. برخی از سلسه‌مراتب مؤثر در ساخت‌های دستوری عبارت است از: شخص، جاننداری و معرفگی که می‌توانند، تأثیرات متفاوتی در زبان‌های مختلف داشته باشند. معمولاً این سلسه‌مراتب با یکدیگر در تعامل اند و تأثیر متقابل دارند. برخی رفتارهای موردپیش‌بینی در رده‌شناسی، به‌دلیل ارتباط

متقابل میان این سلسله‌مراتب است. سلسله‌مراتب جان‌داری گسترده، از تلفیق سه سلسله‌مرتبه شخص، ارجاعیت و جان‌داری شکل می‌گیرد.

سلسله‌مراتب دو پیش‌بینی مهم در رفتار زبان‌ها ارائه می‌دهند: نخست آن‌که چنانچه پدیده یا مشخصه‌ای در هر نقطه از سلسله‌مراتب در زبانی مشاهده شود، سایر مشخصه‌های سمت راست آن نقطه نیز در زبان وجود خواهند داشت. دوم آن‌که همواره احتمال وقوع و بسامد صورت بی‌نشان در بین زبان‌ها بیشتر است. علاوه بر ارائه تبیین‌های معناشناختی در مورد تعامل سلسله‌مراتب، از طریق سلسله‌فضای مفهومی و نقشه‌معنایی نیز می‌توان دریافت که چرا دامنه تنوعات زبانی، تنها در محدوده خاصی امکان‌پذیر است. هر زبان بخشی از این امکانات را به‌عنوان نقشه‌معنایی خاص خود برمی‌گزیند، اما طبق فرضیه پیوستگی فضای مفهومی، الزاماً این نقشه‌معنایی پیوستگی دارد و نمی‌تواند بخش‌های گسسته‌ای از فضای مفهومی را شامل شود. این امر موجب می‌شود که دامنه تنوعات زبانی محدود گردد. به این ترتیب، نبود برخی رده‌ها در بین زبان‌ها تبیین می‌شود.

فصل هشتم در مورد جهانی‌های رده‌شناختی و تعامل مؤلفه‌های متعدد معنایی در دستور زبان است. مقوله‌های مفهومی، همواره به‌صورت ترکیبی در گفتار ظاهر می‌شوند. در واقع، یک ارزش در یک مقوله فقط در صورتی از نظر رده‌شناختی بی‌نشان خواهد بود که با یک ارزش خاص از مقوله دیگر تظاهر یابد. به‌نظر کرافت، شواهد رده‌شناختی متعددی وجود دارد که یک عضو مقوله مرکزی را از عضو حاشیه‌ای متمایز می‌سازد. نخست آن‌که صورت‌های پرسامد، معمولاً اعضای مرکزی یک مقوله را تشکیل می‌دهند. نشانه‌گذاری صفر یا حداقلی اعضای مرکزی یک مقوله، شاهد دیگری بر وجود سرنمون رده‌شناختی است. نشانه دیگر، فقدان معیار رفتاری صورت‌های حاشیه‌ای است. انتظار نمی‌رود که عضو حاشیه‌ای یک مقوله، تمام ویژگی‌های رفتاری عضو مرکزی را داشته باشد، همچنان‌که شترمرغ تمام ویژگی‌های یک پرنده را ندارد. یکی دیگر از شواهدی که مبین وجود سرنمون رده‌شناختی است، مستثنی شدن آشکار اعضای غیرسرنمون از مقوله مورد بحث است. بررسی حالت نشانی مفعول و نمایه‌سازی مفعول از دیدگاه سرنمون، رده‌شناختی تابعی از مجموعه‌ای از مشخصه‌های ترکیبی است. در بخش‌گذاری نشان داده شد که گذرایی در زبان، یک امر پیوستاری است و به مجموعه‌ای از مشخصه‌های مختلف بستگی دارد. در زبان فارسی تمامی ده مؤلفه‌ها پر و تامسپون در گذرایی بند دخیل نیستند. مؤلفه فردیت مفعول، تأثیرپذیری مفعول، نمود، نوع عمل و لحظه‌ای بودن در تظاهر گذرایی در زبان فارسی نقش پررنگ‌تری دارند.

در **فصل نهم**، مقولات سه‌گانه زمان، (دستوری، نمود و وجه) طبقه‌بندی گردیده‌است. زمان دستوری مقوله‌ای است که نشان می‌دهد، یک نقطه زمانی، پیش یا پس از نقطه ارجاع واقع شده یا با آن هم‌زمان است. زمان دستوری به دو

دسته اصلی زمان مطلق و نسبی تقسیم می‌شود که هر یک، بسته به ویژگی‌های خاص زبان‌ها، زیرمجموعه‌های متنوعی دارند. عمده‌ترین زمان‌های دستوری مطلق، طبقه‌بندی سه‌شقی حال، گذشته و آینده است. با وجود این، برخی زبان‌ها دسته‌بندی‌های ظریف‌تری از این طبقات اصلی سه‌گانه ارائه می‌دهند. زمان دستوری نسبی، تنوع بیشتری در طبقه‌بندی دارد و هر زبان، دو یا چند نوع زمان نسبی را نشانه‌گذاری می‌نماید.

در مقوله نمود، به چگونگی وقوع خود کنش یا رخداد در بعد زمان توجه می‌شود و این، بیانگر کیفیت زمانی رخداد است. نمود در دو گروه دستوری و واژگانی مورد توجه قرار می‌گیرد. نمود دستوری می‌تواند، بر ویژگی‌های معنایی و ذاتی فعل که حاصل نمود واژگانی است، تأثیر گذارد و آن را تغییر دهد. البته، این امکان تا حد زیادی به ویژگی‌های معنایی فعل وابسته است و همواره چنین امکانی وجود ندارد.

مقوله کلی وجهیت، در دو زیرمقوله وجه و وجهیت قابل بررسی است. زیرمقوله اول به ابزار صرفی - نحوی موجود در فعل اشاره دارد و زیرمقوله دوم، معنای وجهیت را در افعال کمکی و حتی افعال واژگانی نشان می‌دهد.

وجه، مقوله‌ای معنایی - نحوی است که برای بیان درجات مختلفی از تعهد گوینده نسبت به قطعیت گزاره به کار می‌رود. برخی زبان‌ها در یک طبقه‌بندی کلی، وجه را به دو دسته واقعی و غیرواقعی تقسیم‌بندی می‌کنند. هر کدام از این دو طبقه می‌توانند، زیرطبقه‌های مختلفی بپذیرند که بسته به هر زبان، متفاوت است. افعال کمکی وجهی، در مقوله وجهیت قرار گرفته و آن‌را به دو دسته الزامی و معرفتی طبقه‌بندی می‌کنند که هر یک، نگرش و قضاوت گوینده را در مورد قطعیت رخداد از منظر متفاوتی بیان می‌کنند. بنابه همبستگی معنایی بین سه مقوله فوق، گاهی ابزارهای صرفی - نحوی یکسان و مشترک برای بیان دو یا سه مقوله به کار گرفته می‌شود و در موارد بسیاری نیز انتخاب از یک مقوله بر انتخاب سایر مقوله‌ها پرتو می‌افکند. بنابراین، در این موارد باید به نظام کلی TAM توجه شود.

در فصل دهم به اجمال، برخی کاربردهای مطالعات رده‌شناختی و نقش یافته‌های این حوزه در تبیین مسائل مربوط به شاخه‌های زبان‌شناسی و حوزه مرتبط، نظیر نقش آن در مطالعات تاریخی - تطبیقی، مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی زبان بررسی شده است. دقت و صحت بسیاری از یافته‌های زبان‌شناسی تاریخی در پرتو اصول مطرح در رده‌شناسی ارزیابی می‌شود. مهم‌ترین اصل در این ارزیابی‌ها، اصل یکسان‌گرایی است که بیان می‌کند، ساختار زبان‌ها در طی زمان تنها در محدوده مشخص و ثابتی تغییر می‌کند، به نحوی که ساختار کلی زبان‌های بشری همواره ثابت است.

تماس زبانی که موجب انتقال ساختارها و صورت‌های یک زبان به زبان

یا زبان‌های دیگر می‌شود، بر اساس مجموعه‌هایی از سلسله‌مراتب رده‌شناختی صورت می‌پذیرد. این سلسله‌مراتب توضیح می‌دهد که انتقال عناصر زبانی متعلق به لایه‌های مختلف، همزمان رخ نمی‌دهد و حتی عناصر موجود در یک طبقه یا زیرطبقه نیز بر اساس ترتیبی که سلسله‌مراتب ارائه می‌دهد، به زبان دیگر انتقال می‌یابند. نشان‌داری، سرنمونی و تصویرگونگی از عواملی هستند که در تبیین و بررسی روند فراگیری زبان اول توسط کودکان و دشواری‌های یادگیری زبان دوم توسط بزرگسالان توضیحات قابل‌قبولی ارائه می‌دهند.

ارزیابی کلی کتاب

یکی از ویژگی‌های کتاب این است که محدود به گستره خاصی از رده‌شناسی نیست و همه حوزه‌های پژوهشی در این زمینه را تحت پوشش قرار می‌دهد. از جمله، رده‌شناسی واژگانی، ساخت‌واژی، نحوی، واجی و حتی رده‌شناسی کاربرشناسی زبان. از این‌رو، خواننده را با همه گستره پژوهش‌های رده‌شناختی آشنا کرده و دیدی فراگیر و کلی به او می‌دهد. این ویژگی پوشش موضوعی، برای کتابی که رویکرد آموزشی دارد و می‌خواهد همه‌پسند باشد، بسیار حائز اهمیت است.

این کتاب داده‌های موردبررسی را از زبان‌های گوناگون همگانی‌های زبانی نشان می‌دهد. تأکید بر داده‌ها به جای نظریه‌ها در این کتاب، از آن‌جا ناشی می‌شود که به دنبال تأیید یا اثبات نظریه یا الگوی خاصی نیست. مثلاً در مورد الگوهای مختلف نظام مطابقت، سعی نمی‌کند یک الگو را در زبان‌های موردبررسی، پیدا و آن را ثابت کند، بلکه باتکیه بر داده‌ها، تحلیل‌های بی‌طرفانه ارائه می‌دهد.

از دیگر مزایای کتاب، سادگی و روانی متن آن است. هرچند قسمت‌هایی از متن کتاب ترجمه شده، اما ردپای ترجمه چندان مشهود نیست و مهم‌ترین نوآوری کتاب، بهره‌گیری از داده‌های زبان‌های گوناگون و بومی نمودن مثال‌ها و مطالب از گویش‌های زبان فارسی است.

در پژوهش‌های رده‌شناختی، مهم‌ترین مسئله این است که تا حد امکان، همگانی‌ها و تعمیم‌هایی که با آن موضوع در پیوند است نیز بیان شده باشد تا خواننده بتواند از هر موضوع مطرح‌شده، نتیجه و یافته رده‌شناختی نیز به دست آورد. در این کتاب به این مسئله توجه شده است. مزیت ارائه تعمیم رده‌شناختی این است که افزون بر این که نتیجه‌ای روشن و مشخص از هر بحث رده‌شناختی به دست می‌دهد، امکان آزمون و ارزیابی یافته‌ها را نیز به سادگی برای دیگر پژوهشگران فراهم می‌نماید. برای نمونه، یک پژوهشگر می‌تواند، با بررسی مبحث نمایه‌سازی مفعول در زبان فارسی، درجه اعتبار تعمیم‌های پیش‌گفته را بیازماید. نگاه در زمانی در کنار نگاه همزمانی نشان داده است که چه میزان، بررسی ویژگی‌های همزمانی زبان‌ها، نیازمند آشنایی با ویژگی‌های در زمانی آن‌هاست و تا

چه میزان، تحلیل‌های همزمانی می‌تواند بر تحولات تاریخی پرتو افکند. فصل‌بندی کتاب نیز بسیار مناسب و هدفمند است. در آغاز هر فصل، پیش‌نمایی از مطالب آن فصل به همراه فهرستی از کلیدواژه‌ها آمده که خوانندگان را با کلیت فصل آشنا می‌کند. به عبارتی، در مقدمه اهداف مطالعه مشخص شده و در پایان فصل نیز خلاصه‌ای از مطالب فصل آمده است. منابعی نیز برای مطالعه بیشتر معرفی شده‌اند و در فهم هرچه بیشتر موضوع، یاریگر است. میزان دقت در استنادات و ارجاعات اثر، بسیار خوب است. به طوری که به تألیفات یک نویسنده با دقت با صفحه - در پانوشت و در ضمیمه آثار - اشاره شده است. در پایان کتاب نیز واژه‌نامه‌ای توصیفی گنجانده شده است که واژه‌های فنی رده‌شناسی را توضیح می‌دهد.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۶
تابستان ۱۳۹۸

۱۴۵

در پایان اثر نیز کتابنامه کاملی وجود دارد که می‌توان به آن مراجعه کرد. این کتابنامه ارجاعات اثر را در بر می‌گیرد و شیوه استفاده از آن آسان است. ارجاعات درون‌متنی و در داخل پرانتز، دارای کد و صفحه مورد نظر نویسنده است.

کاستی‌ها

پس از برشمردن مزایای کتاب، لازم است به برخی کاستی‌های آن نیز اشاره شود تا با برطرف نمودن آن‌ها، اثری کامل‌تر در اختیار خوانندگان قرار گیرد. در این کتاب، از حیث تعداد زبان‌های نو ایرانی مورد بررسی و میزان داده‌ها برای هر یک از ویژگی‌های رده‌شناختی، مثال‌های کمی ذکر شده است که ناشی از تحلیل‌های اندک بر روی گویش‌های زبان فارسی است.

در مقدمه هر فصل، کمتر به ضرورت علمی نگارش اثر پرداخته شده و بیشتر، توجیه درس‌نامه‌ای ارائه شده است و در پایان هر فصل نیز تمرین و آزمون در زمینه مباحث آن فصل وجود ندارد؛ اضافه نمودن تمرین‌های مختلف از داده‌های گویشی زبان فارسی در پایان هر فصل، در هموار ساختن رده‌شناسی زبان فارسی تأثیر بسزایی دارد و خواننده را در درک مفاهیم کتاب یاری می‌کند.

متأسفانه، در پایان کتاب جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی از اهداف علمی اثر وجود ندارد. یکی دیگر از کاستی‌های کتاب، نداشتن نقشه موقعیت جغرافیایی زبان‌های توصیف شده و جدول آمار جمعیت سخنگویان این زبان‌ها است. وجود نقشه، این امکان را برای خوانندگان فراهم می‌سازد که با منطقه‌هایی که هر زبان در آن‌جا صحبت می‌شود، آشنا شوند.

نتیجه‌گیری

به طور خلاصه، می‌توان مزایای کتاب را این گونه برشمرد: پوشش همه زمینه‌های اصلی زبان (نحو، ساخت واژه، واج‌شناسی و معناشناسی)، ارائه تعمیم‌های رده‌شناختی

برای هر موضوع مورد بررسی، رویکرد پیشانظری و نیازداشتن به پیشینه علمی زیاد، ساختاربندی مناسب فصل‌ها، سادگی و روانی متن و طراحی مناسب. همه این مزایا سبب می‌شود که میان‌رده‌شناسی زبان کتابی بسیار خوب، برای درس رده‌شناسی در دانشگاه تلقی شود. خواندن این کتاب به همه کسانی که در پی آشنایی با بنیاد و روش رده‌شناسی و درک گستره پژوهشی این شاخه از زبان‌شناسی هستند، توصیه می‌شود.

Bakker, Dik (2011). "Language Sampling". In J. J. Song (ed.), *The Oxford Handbook of Linguistic typology* (pp. 101-127). Oxford: Oxford University Press.

Corrigan, Robert, Edith A. Moravcsik, Hamid Ouali & Kathleen Wheatley (2009). *Formulaic Language*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.

Croft, William (2003). *Typology and Universals*. Cambridge: Cambridge University Press.

Daniel, Michael. (2011). "Linguistic typology and the study of language". In J. J. Song (ed.), *The Oxford handbook of linguistic typology* (pp. 43-68). Oxford: Oxford University Press. Croft, William. (2003). *Typology and universals. 2nd ed.* Cambridge: Cambridge University Press.

Dryer, M. (1992). "The Greenbergian word order correlations". *Language* 68, 81-138. Greenberg, Joseph H. (1963/1966). "Some universals of grammar with particular reference to the order of meaningful elements". *Universals of language, 2nd ed.* Joseph H. Greenberg (Ed.). Cambridge, Mass.: MIT Press. 73-113.

Hawkins, John. A. (1983). *Word Order Universals. Quantitative Analysis of Linguistic Structure Series*. New York: Academic Press.

Keenan, Edward & Comrie, Bernard. (1977). "Noun phrase accessibility and universal grammar". *Linguistic Inquiry*, 8, 1: 63-89.

Moravcsik, Edith A. (2013). *Introducing language typology*. Cambridge: Cambridge University Press.